



عنوان: خلق فضاهای ماندگار در محله از طریق تبدیل فضاهای شهری بلا استفاده به پاتوق محله با رویکرد معماری خیابانی

هاله خدادادی ، لیلا کریمی فرد*،

دانشجو کارشناسی ارشد معماری منظر، گروه مهندسی معماری، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد، تهران، تهران جنوب

هیئت علمی گروه مهندسی معماری، دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران (نویسنده مسئول)*

Email: hale.khodadadi@gmail.com

Email: Lkf@karimifard.org

چکیده

امروزه با رشد شهرها و افزایش مداخلات و سرعت تغییرات در سطح محلات و مناطق شهری، فضاهای بلا استفاده و بدون جاذبه انسانی پدید آمده‌اند که به دلایل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و عملکردی که دارا هستند، از پتانسیل بالایی برای وقوع جرم و انواع بزه برخوردارند و با جلوه‌های بصری نازیبا در کاهش حس تعلق مکانی شهروندان نقش به سزایی را دارند. هدف از این پژوهش و مقاله ایجاد پاتوق محله جهت تبدیل فضاهای بلا استفاده شهری به نقاط تعامل و مکث با کاربری‌های فعال جهت رسیدن به فضاهای ماندگار و پایدار می‌باشد. این پژوهش از نوع کاربردی است و به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات نیز اسنادی، میدانی، مصاحبه و پرسشنامه است. بر اساس اطلاعات به دست آمده در بخش ادبیات تحقیق، شاخص‌های شناسایی فضاهای ماندگار تدوین شد. در مراحل بعدی این شاخص‌ها در محدوده مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفت و نتایجاً حوزه‌های بلا استفاده انسانی شناسایی شدند. این حوزه‌ها با استفاده از تکنیک ای.اچ. پی اولویت‌بندی شدند و حوزه‌های دارای اولویت بر اساس اهداف تحقیق و با توجه به رویکرد مدیریت معماری خیابانی طراحی شدند.

کلیدواژه‌ها: فضای ماندگار، پاتوق محله، معماری خیابانی

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیاز به کیفیت سکونت در فضاهای شهری است. با گذشت زمان و افزایش رشد شهرنشینی، بسیاری از فضاهای شهری به محل‌هایی فاقد جاذبه انسانی تبدیل گشته‌اند. این فضاها عموماً به دور از نظارت عمومی، دور افتاده، خلوت یا تاریک هستند که افراد هنگام عبور از آن‌ها احساس ترس می‌کنند و امنیت شهروندان به خطر می‌افتد. یکی از دغدغه‌های نگارنده جهت انجام این پژوهش، شناخت طولانی مدت نسبت به موضوع مطالعاتی است. پیامد ناشی از رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی و توسعه شتاب زده شهرها بهم خوردن ساختار محله و زندگی در شهر بی هویت می‌باشد که این فضاهای ناآشنا و بی هویت شهر از یک سو می‌تواند خشونت را افزایش دهد و از سوی دیگر همین خشونت و ترس به نوبه خود موجب واکنش‌های روانشناختی و رفتاری شهروندان از جمله تمایل به کناره‌گیری از مکان‌های خاص - تغییر فعالیت‌های روزمره - عدم مشارکت در اعمال جمعی - کاهش حس تعلق اجتماعی نسبت به محله و محل سکونت خواهد شد که این امر نیز به نوبه خود فضاها را انسان‌گریز تر می‌سازد. این‌ها بازتابی از این حقیقت‌اند که مردم از خیابان جلوی خانه‌شان، از محله زندگی‌شان و از پیرامون محل کارشان همه روزه استفاده می‌کنند و در نتیجه کیفیت خیابان‌ها، پارک‌ها و دیگر فضاهای عمومی بر زندگی روزانه تک‌تک آن‌ها تاثیر می‌گذارد و به طور مستقیم در حس بهزیستی آن‌ها دخیل است.